



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۱/۰۴

بصیر صباح

عنوان

## رسانه ها، دولت و آزادی بیان در افغانستان

قسمت سوم



«سخنی داریم از رسانه ها، رسانه های ملی و میهنی، رسانه هایی که به آزادی بیان،

عقیده و قلم اعتقاد دارند

و پیوست به آن مروری می کنیم به تلویزیون روشنگری و روشن اندیشی (بهار)»

رسانه ها ، حاکمیت کنونی و پرابلم های امنیتی

در زیر پرچم این دولت، حاکمیت قانون گسترش نیافته، طالبان قوی تر شده، ناامنی و خشونت به حد اعلای خود رسیده، فقر عمومیت پیدا کرده، بیماری سل سالانه بیست هزار نفر را قربانی می کند و همه ساله بر تعداد مبتلایان



به این بیماری هشتاد هزار نفر دیگر افزوده می شود، اعتماد مردم به رئیس جمهور و کارآیی دولت به حد صفر رسیده، فساد اداری همچنان بیداد می کند، افغانستان مانند يك مارکیت مال التجاره خارجی به بازار فروش محصولات

کشورهای خارجی و بعبارت دیگر به کشور صد فیصد مصرف کننده بی خاصیت تبدیل شده، مهاجرت ها از سرگرفته شده و جوانان گروه گروه از کشور فرار می کنند، کار بازسازی مخصوصاً در پروژه های زیربنایی و عام المنفعه، در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری، متوقف، و به يك ارمان فراموش شده مبدل گردیده است.

مجموع این فکتورها حکم می کند که در تشکیلات دولت باید يك خانه تکانی بزرگ و اصلاحات بنیادین صورت بگیرد، اما ظاهراً و متأسفانه این دولت، دولت تریاک است و اصلاح پذیر نمی باشد. می گویند پرابلم مواد مخدر، راه حل فوری ندارد، ولی این يك دروغ محض و ادبیات تلقین شده از سوی مافیای مواد مخدر است. اگر مواد مخدر راه حل فوری ندارد پس چرا ملا عمر توانست در ظرف فقط چند ماه بیش از نود فیصد مزارع کوکنار را از بین ببرد؟

آیا قدرت امریکا، ناتو و دولت افغانستان، کمتر از قدرت ملا عمر است؟

هرگاه يك دولت، اراده سیاسی، قاطعیت و صداقت داشته باشد به آسانی می تواند این گونه بن بست ها را بشکند و افغانستان را از طلسم افیونی مواد مخدر نجات دهد.



### نقش خارجی در بحران های امنیتی

اوضاع افغانستان با وجود گذشت یکم دهه از سقوط طالبان و حضور نیروهای خارجی، نگران کننده است و ناامنی ها همچنان ادامه دارد. نیروهای خارجی خاصاً نیروهای انگلیسی برای تأمین امنیت خود هر اقدامی که بخواهند فراتر از وظایف انجام می دهند. فقدان راه های درآمد ساز باعث شده تا مردم افغانستان بیش از پیش به کشت خشکاش روی بیاورند و همچنین نبود برنامه های سازنده دولت در این باره باعث شده سرریز کمک های مالی در عمل فایده ای به بازسازی و بهبود اوضاع اقتصادی نرسانده باشد.

سال ها در کشور، بلندترین صداها صدای تفنگ بود، و غیر از صدای اسلحه هر صدای دیگری به خصوص صدای مظلومیت و حق خواهی اکثریت خاموش جامعه در گلو ها شکسته می شد، و طنین فریاد ها به گوش هیچ شنونده ای نمی رسید. همین گونه در میان کشورهای جهان، افغانستان تنها سرزمینی بود که با حجم زیاد مسائل، دیدنی ها، زیبایی ها و صحنه های رقت بار و غم انگیز جنگ و خشونت و ویرانی، تصویری که از آن خودش باشد نداشت و

تصویرگران تنها فاتحان جنگ را چهره آرائی می کردند. رادیو های محلی فقط اعلامیه های جنگ، و اخبار ملاقات های خسته کننده مقامات را پخش می کردند.



## آیا رسانه ها شریک نابسامانی های کنونی نیست؟؟؟

القاب طولانی، خبرها مصلحت آمیز؟! و رادیوها دستگاه های دروغ پراکنی ای بودند که صداهای شان فقط در شعاع پنج تا ده کیلومتری قابل دریافت بود. تلویزیون چه در کابل و چه در برخی از ولایات، وضعیت بدتر از این را داشت و نه تنها، رسانه ملی، که حتی رسانه ولایتی هم نبود. تلویزیون آینه ای بود که تنها قدرتمندان و اسلحه داران و بازیگران صحنه های جنگ می توانستند چهره ها در ژم و حرکات چشم و ابرو و قهرمان بازی های عجیب خود را بر صحنه آن تماشا کنند و صندوقچه ای بود جادویی و نجبای تازه بدوران رسیده افغانستان، آنرا این سو و آن سو با خود حمل میکردند.

در این آینه از تصویر چهره های تکیده مردم، و خامه های ویران و محضر آنان و اینکه چگونه برای يك لقمه نان حلال با مرگ و شمشیر دست و پنجه نرم می کنند خبری نبود. تلویزیون، گرسنه ها را نشان نمی داد، و حتی برای یکبار مصاحبه کردن، کمره فیلم برداران به سراغ آواره ها و بیجاشدگان جنگ نمی رفتند. و اما اکنون، دهها رادیو و تلویزیون در افغانستان، فعال و در حال نشرات است. تلویزیون های خصوصی آینه، آریانا، طلوع، افغان، تلویزیون دولتی ...، با انواع شبکه های کیبلی و اینترنتی ...



رسانه ها ضمن برخورداری از حقوق و آزادی هایی که دارند باید اندکی مسؤلیت پذیر هم باشند و رسالت رسانه های خود را در پای منافع اقتصادی تاجران و کمپنی های پول دهنده، و یا به خاطر ارضای خواسته های آنی و زود گذر يك عده قلیل، قربانی نکنند. اینها اگر واقعاً دنبال ستاره می گردند باید در عرصه های صلح، تربیت، بازسازی، امنیت، ورزش، فرهنگ

و ادب و ... تبلیغات کنند و به کشف ستاره های ناشناخته بپردازند. با برنامه های هاپ نمی توان به موسیقی اصیل افغانستان خدمت کرد، امروز از برکت همین رسانه ها، موسیقی، هنر و سینمای نو بنیاد افغانستان در زیر فشارهای

سنگین موسیقی و فیلم های مبتذل و غیر مبتذل هندی در حال نزع و جان کندن است. به نظر می رسد اکثر رسانه های چاپی، صوتی و تصویری افغانستان به يك تجدید نظر ملی و مدیریت سالم و با کفایت نیاز دارد تا پیش از این در گرداب پوچیسیم و بیهوده گرایی غرق نشوند.

### رسانه ها مصروف چه اند؟؟؟

در پنج قاره جهان انسان سفید، سیاه، زرد، دانشمند، کم سواد، زن، مرد، طفل، فقیر و غنی و . . . در برابر تصویر تلویزیون می نشینند، تلویزیون یعنی تصویر خانگی برای انسان امروز، اما این تصاویر چه چیز ارائه می کنند، از چه چیز صحبت می کنند، چگونه رویا ها را باز می کنند، وقایع را چطور می نمایانند؟ چه رویاهایی، چه وقایعی؟ اکثر به این نتیجه و باور رسیده اند که در عقب این همه تاخت و تازها، دشنام ها و ناسزاگویی ها و هرج و مرج ها دست های پنهانی وجود دارد تا ملت را به جان هم انداخته و به قول معروف از آب گل الود ماهی بگیرند. اگر چنین نیست چرا کشور میزبان خلاف تمام نورم های آزادی بیان، حقوق و کرامت انسانی و شیوه های ژورنالیستی جلو این همه رنگ و نیرنگ را نمی گیرد؟ اینان باید بدانند که شخصیت انسان از هرگونه تجاوز و تعرض مصون است. آزادی بیان این نیست که مسئولین دولتی و شخصیت های ملی مورد تحقیر و توهین مغرضانه و کژ اندیشانه قرار بگیرند و کسی هم نیست که بگوید بالای چشمت ابرو است. معلوم نیست که این وضعیت تا چه وقت ادامه دارد؟

در طی چهار دهه جنگ خانمانسوز حدود دو تا سه میلیون شهید، زخمی و معلول داده ایم ولی هنوز دل این جنابان یخ نکرده است. اگر قرار باشد تعدادی را به خاطر اعمال ظالمانه بیش از نیم قرن قبل، تعدادی را به جرم کمونیست بودن، تعدادی را به نام جنگ سالار و تفنگدار، تعدادی دیگر را به اتهام ملا و طالب بودن و فردا تعداد دیگر را به اتهام وابستگی و قتل و خونریزی در محاکمه بکشانیم، پس باید چند میلیون دیگر نیز قربانی بدهیم زیرا هرکس به نوبه خود، عمل خورد و یا بزرگی را انجام داده است.

درین میان خوشبختانه شبکه هایی نیز وجود دارند که خالصانه و رضاکارانه به خاطر التهاب درد های بی پایان ملت تلاش دارند تا بتوانند غم، درد، کدورت، بی وطنی، مهاجرت، مصیبت و تنهایی را از دل هموطنانش بیرون نموده و گل لبخند را به لب های وطندارانش بکارند. این شبکه های تصویری با رسالت وطنپرستانه و با وجیه ملی در برنامه های نشراتی شان از هرگونه تفرقه اندازی، کژاندیشی و نفاق افگنی دوری جسته و در راه غنماندی فرهنگی و هنری میهن شان جد و جهد شباروزی می نمایند.

### رسانه آزاد! یعنی چه؟؟؟

رسانه ها با وابستگی های با حقارت و وعده مندی های معلوم الحال در پی تخریب، شخصیت های ملی کمر بسته که وجدان بیمار و خامه ناپخته آدرس و آن آدرس رکیک ترین



با دریغ و درد تعدادی از معین، با طرز تفکر خاص، بیمارگونه و با حمایت افراد تحقیر و توهین ملت و اند. این نشریه ها هر آنچه شان اجازه می دهد به این

دشنام، فحش و ناسزا را روا می دارند و درین بازار جنگ و جفنگ از مسایل شخصی تا موضوعات سیاسی و تنظیمی و خانوادگی مطرح و در مقابل دید خوانندگان قرار می گیرد. این نشریه ها با گذشت هر روز درین مسیر غیر اخلاقی بیشتر از گذشته و تند تر از قبل به دشنام گویی و عیب چینی مصروف اند. شبکه های تصویری که به زبان های دری و پشتو و توسط افغانان اداره و مدیریت می شوند خیلی اندک و ناچیز است. با این اندک بودن اگر در مسیر خدمت به میهن و هم میهنانش صادقانه و شریفانه گام بردارند باز هم جای هیچ گونه تشویش و نگرانی نیست و می توانند در راه وحدت ملی و انسجام کتلویی خدمات ارزشمندی را انجام بدهند.

تعداد این شبکه ها با استفاده از آزادی هایی که در کشور های غربی و بخصوص در ایالات متحده امریکا وجود دارد چنان مصروف تخریب، توهین، تحقیر و سرزنش است که ازین طریق می خواهند به تاج و تخت فرعون و گنج قارونی دست پیدا کنند.

ادامه دارد.....



پایان قسمت سوم

ادامه دارد

بخش های اول و دوم این مطلب را به کمک لینک های ذیل مطالعه فرمائید:

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/b\\_sabah\\_ressaanahaa\\_wa\\_aazaadi\\_bayaan\\_۱.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/b_sabah_ressaanahaa_wa_aazaadi_bayaan_۱.pdf)

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/b\\_sabah\\_ressaanahaa\\_wa\\_aazaadi\\_bayaan\\_۲.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/b_sabah_ressaanahaa_wa_aazaadi_bayaan_۲.pdf)